

رهنمودهای تعیین مجازات در انگلستان و ولز

نسرین مهرا*

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۵/۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۸/۶)

چکیده:

در نظام برخاسته از نظام حقوقی کامن لا، تعیین مجازات جدای از رسیدگی و محکومیت مورد توجه قرار می‌گیرد و از این رو همواره به صورت مجزا و مستقل بررسی می‌شود. این امر همراه با این واقعیت که در نظام‌های مزبور به صورت سنتی همواره محدودیت‌های قانونی چندان در تعیین مجازات بر قضات محاکم تحمیل نمی‌گردیده است، منجر به صدور رهنمودهایی در ارتباط با تعیین مجازات شده که هدف اصلی آنها رسیدن به هدفی است که در نظام حقوقی رومی-ژرمنی بر عهده قانون است. این هدف همانا رسیدن به یکدستی در توجیه و اعمال مجازات‌ها است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی:

رهنمودهای تعیین مجازات، شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات، هیات مشورتی تعیین مجازات.

درآمد

مجازات بزهکاران مرحله نهایی در فرایند دادرسی کیفری در قالب سیستم عدالت کیفری است. از این رو تعیین مجازات یکی از مهم‌ترین بخش‌های عدالت کیفری محسوب می‌شود. اهمیت و در عین حال دشواری این مرحله از فرایند کیفری اقتضای آن را دارد که در این زمینه دقت نظر بیشتر صورت گیرد.

منابع اصلی مربوط به تعیین مجازات در حقوق انگلستان عبارتند از: قانون نوشته (Legislation)، رهنمودهای الزامی تعیین مجازات (Definitive Guide lines) و تصمیمات قضایی (Judicial Decision). آثار برخی از حقوقدانان دانشگاهی نیز در این میان به صورت غیر رسمی تر و به عنوان منابع ضعیف‌تر، مورد استفاده و استناد قرار می‌گیرند.

قوانین وضع شده بوسیله پارلمان چارچوب مقررات تعیین مجازات را ترسیم کرده‌اند. قوانین مصوب حداکثر مجازات را برای بسیاری از جرایم پیش بینی کرده‌اند. مقرراتی مانند قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳، مفاد دستوراتی را که دادگاه جزایی می‌تواند بعد از محکومیت صادر نماید و نیز محدودیت‌های صدور این دستورات را پیش بینی کرده است. تمامی این مقررات باید توسط دادگاه‌ها تفسیر شده و بویژه زمانی که پرونده‌ای خاص مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد، یک قاعده عملی را در ارتباط با اختیارات قانونی موجود برای دادگاه‌ها ایجاد می‌کند. بدین ترتیب، نقش قانون در تعیین مجازات اعطای اختیارات به قضات، تعیین کننده مجازات و تعیین محدودیت‌های آن است.

در سال‌های اخیر سیستم عدالت کیفری انگلستان در راستای کاهش اختیارات قانونی قضات گام برداشته و در مواردی خاص به محدود کردن این اختیارات پرداخته است. نظیر آنچه که در ماده ۲۶۹ و بخش ۲۱ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ در ارتباط با تحمیل حبس ابد در قتل عمد آمده است (رک: مهرا، ۸۶-۱۳۸۵) و یا آنچه که در ارتباط با اطفال بزهکار در قانون عدالت اطفال و ادله کیفری ۱۹۹۹ و قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸ مقرر شده است (مهرا، ۱۳۸۳، ص ۴۴۴) از دیگر اقدامات اتخاذ شده در این راستا صدور رهنمودهای صادره از دادگاه استیناف است. این رهنمودها، تصمیمات قضایی هستند که پارامترهای کلی، عوامل مخففه و مشدده و حداقل مجازات‌های قابل اعمال برای برخورد با گونه‌های متنوع یک جرم خاص را ارائه می‌کنند. این رهنمودها که تا اواخر دهه ۹۰ جرایمی محدود را پوشش می‌دادند، با تصویب قانون عدالت کیفری ۱۹۹۸، مبانی اجرایی ایجاد هیات مشورتی تعیین مجازات را پایه‌ریزی کردند.

هدف اصلی رهنمودهای صادره از این نهادها، کمک بیشتر به قضات تعیین کننده مجازات بود. قضات تعیین کننده مجازات^۱ با استفاده از این رهنمودها می‌توانند به یکسان‌سازی استفاده از انواع مجازات‌ها برای بزه‌کاران مختلف و نیز برای جرایم گوناگون مبادرت نمایند. اهمیت این رهنمودها بویژه زمانی بیشتر به چشم می‌آید که توجه داشته باشیم که قانونگذاری انگلستان در ارتباط با چگونگی و کیفیت تعیین مجازات فاقد انسجام بوده و تعیین مجازات برای جرایم در زمان‌ها و موقعیت‌های متفاوت، بدون توجه به سایر جرایم، انجام می‌گیرد (مهر، ۱۳۸۶، ۸۲).

رهنمودهای تعیین مجازات در واقع جنبه قانونی دادن به رویه قضایی است که سال‌ها در نظام کیفری انگلستان جریان داشته است. این رهنمودها با بررسی وضعیت موجود از لحاظ کارایی و کارکرد مجازات‌ها همراه با ملاحظات عملی موجود که سیستم کیفری با آن درگیر است، سعی بر آن دارد که مجازات‌ها را با یافته‌های جدید کیفرشناسی هماهنگ سازد. برای این منظور، شورای تعیین مجازات (Sentencing Guidelines Council) کار خود را در انگلستان و ولز از دسامبر ۲۰۰۳ آغاز کرد و به سوی یکسان‌سازی رویکرد حاکم بر تعیین مجازات گام برداشت^۲ و بیشترین تاثیر را نسبت به سال‌های گذشته بر دست‌اندرکاران سیستم عدالت کیفری گذاشت.

در این مقاله رهنمودهای تعیین مجازات در انگلستان و ولز از حیث چگونگی صدور، اهداف و کارایی آنها بررسی خواهد شد تا تاثیر مثبت یا منفی آنها بر سیستم عدالت کیفری مشخص شود.

۱- مروری بر تاریخچه شکل‌گیری رهنمودهای تعیین مجازات

تاریخچه ایجاد و گسترش رهنمودهای تعیین مجازات در انگلستان و ولز روشن است و از این رو در این مقاله به ذکر مختصر آن اکتفا می‌شود. (Ashworth, 2001: ch 2). این رهنمودها به طور کلی از دو منبع عمده در دهه هشتاد نشأت می‌گیرند. نخستین منبع انجمن دادگاه‌های صلح (Magistrate Association)^۳ بود که نخستین گام را برای تنظیم رهنمودهای مربوط به

۱. لازم به توضیح است که قضات تعیین مجازات تنها در سیستم‌های تابع نظام حقوقی کامن لا مصداق دارند زیرا در نظام حقوقی رومی- ژرمنی تعیین مجازات نقطه پایان فرایند رسیدگی بوده و همزمان با محکومیت صورت می‌گیرد، حال آنکه در نظام کامن لا احراز مجرمیت جدای از مجازات مورد حکم قرار می‌گیرد، به استثنای دادگاه‌های صلح که بدون هیات منصفه به رسیدگی می‌پردازند. بدین معنا که تشخیص مجرم بودن بر عهده هیات منصفه بوده و تعیین مجازات بر عهده قضات دادگاه قرار دارد.

۲. مبنای قانونی تاسیس چنین نهادی را می‌توان در مواد ۱۶۷ تا ۱۷۳ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ یافت.

۳. انجمن دادگاه‌های صلح، انجمنی است افتخاری که تمامی قضات دادگاه‌های صلح در آن عضویت داشته و به نمایندگی از قضات صلح، کار اظهار نظر در مورد پیشنهادات، سیاست‌گذاری و واکنش نسبت به اسناد مشورتی صادره از نهادهایی مانند

جرایم راهنمایی و رانندگی برای دادگاه‌های تالی برداشت. این انجمن در راستای وظایف خود در سال ۱۹۶۶ به منظور یکسان سازی مجازات‌های جرایم راهنمایی و رانندگی معمولی، اقدام به تعیین حداقل مجازات برای آنها نمود. اقدامات انجمن دادگاه‌های صلح در این زمینه به تدریج گسترش یافت و در سال ۱۹۸۹ منجر به صدور رهنمود تعیین مجازات برای کلیه جرایم (به جزء جرایم راهنمایی و رانندگی) توسط انجمن گردید. این رهنمود حداقل مجازاتی را برای ۲۰ جرم شایع تعیین کرد. رهنمودها طی سال‌های ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ مورد بازبینی قرار گرفتند. این رهنمودها فاقد مبنایی قانونی بودند و از این رو دادگاه‌های صلح، الزام قانونی به اجرای آنها نداشتند. اما از آنجایی که مرجع صدور آنها انجمن دادگاه‌های صلح بود، دادگاه‌های مزبور عملاً به این رهنمودها پای‌بند بودند. این رهنمودها از سال ۲۰۰۴ گسترش یافتند، به گونه‌ای که تمامی جرایم تحت صلاحیت این دادگاه‌ها را در بر گرفتند. از این تاریخ بود که نسخه‌ای جدید از چنین رهنمودهایی تنظیم شد و گسترش یافت که هم اینک مراحل نهایی بررسی خود را طی می‌کنند.

منبع دوم این رهنمودها، دادگاه تجدید نظر بود که رهنمودهای مربوط به قضاوت را برای کمک به دادگاه‌های جزایی تعیین کننده مجازات در برخی از جرایم شدید که عمدتاً به مجازات حبس طولانی مدت منتهی می‌شد، صادر کرد. قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸ (Crime and Disorder Act 1998) طی مواد ۸۰ و ۸۱ خود هیات مشورتی تعیین مجازات (Sentencing Guidelines Council) را ایجاد کرد. این هیات مرکب بود از مجموعه‌ای با اعضای متنوع که دادگاه تجدید نظر را در امر تصویب و تنظیم رهنمودهای تعیین مجازات کمک می‌کردند. این هیات از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۰۳ به صورت موثری با دادگاه تجدیدنظر همکاری کرد تا اینکه در سال ۲۰۰۳ شورای مشورتی تعیین مجازات (Sentencing Advisory Panel) تاسیس شد. این شورا به موجب مواد ۱۶۹ و ۱۷۰ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳، جنبه قانونی به خود گرفت و به طور کلی متشکل بود از تعیین کنندگان مجازات (Sentencers)^۱ که وظیفه صدور رهنمودهای مربوط به تعیین مجازات را بر عهده داشتند و با هیات مشورتی تعیین مجازات که از آن به بعد وظیفه ارائه مشاوره به شورا را بر عهده داشت، همکاری می‌کرد. اعضای هیات و شورای مزبور به صورت پاره وقت در خصوص رهنمودها همکاری می‌کردند اما در این میان از کمک تمام وقت منشی شورا و هیات نیز برخوردار بودند.

SAP (Sentencing Advisory Panel) را انجام می‌دهد و در مواردی فعالیت‌هایی را در زمینه موافقت یا مخالفت با بعضی تغییرات قانونی شکل می‌دهد.

۱. غریب بودن این واژه در زبان فارسی، از سیستم حقوقی رایج در ایران ناشی می‌شود. زیرا همان‌گونه که گفتیم در نظام رومی-ژرمنی مجازات دهنده یا تعیین کننده مجازات مقامی غیر از قاضی رسیدگی کننده نیست و حال آنکه در نظام کامن‌لا، قاضی محاکمه و محکومیت از تعیین مجازات مستقل بوده و هر یک توسط مرجع خاصی صورت می‌گیرد.

می‌توان گفت که تغییرات سیستم انگلستان در این راستا همواره رو به جلو و با گسترش رهنمودها همراه بوده است. به علاوه، گرچه همیشه تغییراتی در کارکنان و اولویت‌های سیستم بوجود آمده اما سیستم همواره پیوستگی و ارتباط با ریشه‌های اصلی خود را یعنی دیدگاه‌های اصلی رسیدگی تجدید نظری که برای نخستین بار رویکرد سیستم را شکل دادند، حفظ کرده است. در طول این سالها یعنی از زمان شکل‌گیری رهنمودهای تعیین مجازات تاکنون، شیوه‌های تخصصی متعدد در تهیه آنها ایجاد شده است. نتیجه این تغییرات این است که ساختار کنونی موجود در تهیه رهنمودها در انگلستان و ولز که متشکل از شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات (SGC) و هیات مشورتی تعیین مجازات (SAP) است، ساختاری منحصر به فرد است که موجودیت و هویت خود را به میزان زیاد با گذشت زمان و کسب تجارب تاریخی به دست آورده است، به گونه‌ای که طراحی چنین سیستمی به صورت فی‌البداهه امری غیر محتمل است.

معیارهایی که برای اثر بخشی در طراحی سیستم تعیین و صدور رهنمود باید مورد توجه قرار گیرند، متعدد هستند. اما سه معیار برای طراحی این سیستم اساسی به نظر می‌رسند:

- ۱- رهنمودها باید بوسیله مرجعی صادر شوند که از اقتدار و مشروعیت بالایی برخوردار باشد؛
- ۲- رهنمودها باید نتیجه یک فرایند منطقی و ناشی از مشاوره بوده و تا حد امکان به طور اجماعی تنظیم شوند؛ و
- ۳- برای تجدید نظر و بازنگری مستمر رهنمودها باید یک فرایند مورد قبول پیش بینی شود.

به نظر می‌رسد که سیستم موجود در انگلستان و ولز، به رغم ساختار غیرمعمول آن، تمامی این عوامل اساسی را که برای پیشبرد اهداف ضروری است، دارا باشد.

۲- شرایط سیستم تنظیم ارائه رهنمود

سوال ابتدایی قابل طرح این است که مزایای داشتن یک نهاد برای تنظیم تعیین مجازات آن هم نهادی که خارج از مجرای قانون‌گذاری و مستقل از دادگاه‌ها عمل می‌کند، چیست؟ مهم‌ترین مزیت وجود چنین سازوکاری در مقایسه با رهنمودهایی که دادگاه استیناف تنظیم کرده این است که شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات و هیات مشورتی تعیین مجازات را قادر می‌سازد تا به صورت سازمان‌یافته‌تر عمل کنند و وقت بیشتر را برای انجام وظایف خود اختصاص دهند و برای تنظیم رهنمودها از نظرات مشورتی رهنمودها بهره‌مند شوند. همچنین، از آنجایی که در صدور این سازوکار تمرکز بر پرونده‌ای خاص نیست، سیستم قادر خواهد بود تا به صدور رهنمودهای کلی و نه موردی و جزئی اقدام نماید. بدین ترتیب، سیستم تنظیم و

ارائه رهنمود در تعیین مجازات‌ها، به صورت نهادی مفید و موثر جلوه می‌کند که در فرایند تعیین مجازات نقشی عمده و موثر را ایفا می‌نماید.

اما وظایف این نهاد را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱- تصمیم‌گیری درباره جهت‌گیری آتی سیاست‌های تعیین مجازات با توجه به رویه‌های سابق؛ ۲- ساختاربندی اختیارات قضایی- و نه حذف آن- تا اینکه قضات اجازه تفسیر رهنمودها را داشته باشند و در موارد ضرورت و در شرایط خاص بتوانند از رهنمودها تخطی کنند؛ ۳- اتخاذ رویکرد غالب در امر تعیین مجازات و تقویت رهنمودها بر مبنای آن، به گونه‌ای که انسجام بیشتر ایجاد شود و اختلافات کاهش یابد (Von Hirsch, 1987: ch 10).

به نظر می‌رسد سیستمی که در طی ده سال گذشته در انگلستان و ولز حاکم بوده توانسته است تمامی این اهداف را تامین نماید. هر رهنمودی که بوسیله شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات و هیات مشورتی تعیین مجازات صادر می‌شود، بر اساس تصمیمات گذشته دادگاه‌ها، تحلیل‌های آماری مجازات و در برخی مواقع بر اساس مطالعات و ملاحظات عملی صورت می‌گیرد. هدف رهنمودهای انگلستان دقیقاً همان چیزی است که توسط «فون هیرش» بیان شده است؛ بدین ترتیب که این رهنمودها در پی ساختاردهی به صلاحدید قضات (Discretion) هستند و نه اینکه اختیارات آنها را از بین ببرند و دیدگاهی مجزا به آنها تحمیل نمایند. با توجه به این امر، قضات انگلستان بر اساس ماده ۱۷۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ به اعمال این رهنمودها ملزم هستند، اما در مواردی که ضرورت اقتضا کند و دلیلی موجه وجود داشته باشد، می‌توانند از رهنمودها تخطی کنند.

رهنمود نهایی شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات تحت عنوان «اصول فراگیر: شدت» (Overarching Principles: Seriousness) که در دسامبر ۲۰۰۴، صادر شد، شدت جرم ارتكابی را مبنای تعیین نوع و میزان مجازات قرار داده است. این مبنا برای تعیین کنندگان مجازات نوعی کمک و راهنمایی است. این رهنمود مقرر می‌دارد که میان شدت جرم و شدت مجازات باید تناسب وجود داشته باشد. شدت مجازات در این مورد، هم درجه مجازات و هم قطعیت را شامل می‌شود. شدت جرم بر اساس میزان صدمه وارده و تقصیر مرتکب محاسبه می‌شود که در این میان تقصیر مرتکب عامل موثرتر محسوب می‌شود. یک سلسله عوامل مخففه و مشدده کلی نیز در رهنمود ذکر شده‌اند که بر میزان صدمه و تقصیر تاثیر می‌گذارند. این رهنمود به طور کلی لازم‌الاجراست، مگر اینکه پارلمان بنا به دلایلی نظیر جنسی یا خشن بودن جرم، آشکارا اعلام نماید که باید از دستورات رهنمود تخطی شده و به گونه‌ای دیگر رفتار شود. حتی در چنین حالتی نیز رهنمود برای تعیین حداقل مجازات مناسب همچنان قابلیت اعمال دارد.

قبل از شروع به کار شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات، انتقادی مهم بر اندیشه تاسیس سیستم صدور رهنمود، وارد آمد. این انتقاد عبارت بود از اینکه تصور یک رهنمود کلی‌نگر و همه‌جانبه، پیامدهای وحشتناکی در پی خواهد داشت. هراس منتقدان از شکل‌گیری سیستم منسجم ارائه رهنمود ناشی از خصوصیات ذاتی سیستم حقوقی حاکم در انگلستان بود که در آن اختیارات و صلاحیدهای قضایی جایگاهی خاص داشتند. انتقاد کلی وارد در دفاع از این اختیارات قضایی بر این تصور مبتنی بود که با آغاز به کار سیستم صدور رهنمود، این اختیارات از بین خواهند رفت. مبنای این انتقاد ناشی از تجربه آمریکا در این زمینه بود. به همین جهت پیشنهادات جدید ارائه شد.

نخستین ایراد وارد شده به سیستم ارائه رهنمود، ناظر به کارکنان شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات بود. به این ترتیب که اغلب، کمیسیون‌هایی که بوسیله قضات اداره می‌شوند توانایی ارائه رهنمود را نداشتند، زیرا قضات بر اساس آموزش‌های حقوقی و تجربی خود معتقدند که اعمال صلاحیت در قضاوت امری مطلوب است. از این رو، تجویز صدور رهنمود بوسیله قضات با چنین ذهنیتی به صدور رهنمودهایی منتهی خواهد شد که مملو از اعطای اختیارات به قضات تعیین‌کننده مجازات است. به همین جهت پیشنهاد شد که قضات نباید در کمیسیون اکثریت داشته باشند، بلکه باید در اقلیت بوده یا اکثریت مطلق نداشته باشند، اگرچه ریاست شورا بایستی با یک قاضی باشد. به علاوه اعضای کمیسیون باید پاره وقت باشند (Torny, 2002: ch 5).

برای رفع این انتقادات، در حال حاضر دو نهاد هم‌عرض در انگلستان وجود دارند که با هم کار می‌کنند: شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات و هیات مشورتی تعیین مجازات. شورا متشکل از قضات بوده و ریاست آن با رییس دادگاه استیناف است و هیات مرکب از غیرقضات بوده و ریاست آن با یک حقوقدان دانشگاهی است.^۱ به علاوه، در هر دوی این نهادها قضات در اقلیت قرار دارند.

به طور کلی، هر گروه کاری دارای یک اندازه طبیعی است که بدون آن، پیشرفت کار گروه بسیار کند است و همواره احتمال عدم حصول نتیجه وجود دارد. از این رو، در حال حاضر نهادی که رهنمودهای مجازات را صادر می‌کند باید به اندازه کافی بزرگ باشد تا بتواند هم قضات و هم سایر افراد را در خود جای دهد. ترکیب هیات و شورا، نه تنها ایرادی را که «تونری» پیش‌بینی کرده است، را برطرف می‌کند، بلکه اجازه می‌دهد تا با درگیر شدن افراد بیشتر در فرایند صدور رهنمودها و نیز صدور آن از جانب قضات بالاتر، احترام دادگاه‌ها را جلب نماید.

۱. ریاست این پانل در حال حاضر با «آندرو اشورث» است. دوره ریاست وی از ژوئن ۲۰۰۷ آغاز گردیده است.

ایراد دومی که «تونری» مطرح می‌کند مربوط به برنامه فعالیت‌هاست. به عقیده وی کمیسیون باید رهنمودهای کلی را برای تمامی جرایم صادر نماید. این رهنمودها در صورت تصویب در پارلمان، خود به خود قابلیت اجرا پیدا می‌کنند، مگر آنکه در پارلمان رای کافی نیاورد. ایراد اخیر «تونری» را به دو صورت می‌توان پاسخ داد: نخستین پاسخ به ویژگی جامعیت رهنمودها مربوط می‌شود. با این توضیح که قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ که هیات مشورتی تعیین مجازات را ایجاد کرد، مقرر می‌دارد که رهنمودها باید ابتدائاً بر اساس نوع جرم صادر شوند (Wasik, 2003: p 293) این شیوه عملکرد نه مورد نظر هیات بود و نه مورد نظر دادگاه استیناف بلکه تنها یک مقرر قانونی محسوب می‌شد. (Auld, 2001: 654). از زمانی که شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات تاسیس شده است، این محدودیت قانونی از بین رفته و انواع رهنمودهای دیگر به سرعت تنظیم و ارائه گردیدند. این رهنمودها بر اساس نوعی طبقه‌بندی جرایم صادر شدند؛ مانند جرایم جنسی در قانون ۲۰۰۳. (SGC, Sexual offences Act, 2003, Definitive Guideline, April 2007) در کنار اینگونه رهنمودها که بر اساس طبقه‌بندی جرایم صادر می‌شوند، رهنمودهایی که بر اساس نوع جرم صادر می‌شد نیز همچنان ادامه یافت؛ مانند رهنمود تعیین مجازات مربوط به سرقت به عنف و قتل غیر عمد به علت تحریک. (SGC, Robbery. Definition Guideline, July 2006- SGC, Manslaughter by reason of provocation, Guideline, November 2005) علاوه بر این دو مورد، رهنمودهای دیگر بر اساس اصول قابل اعمال در تمامی جرایم، نظیر شدت جرم (SGC, Overarching principles: Seriousness, Guideline December 2004)، کاهش مجازات در موارد قبول مجرمیت (SGC, Reduction in sentence for a guilty plea, Definitive Guideline, July 2007)، موارد آزادی به قید ضمانت (SGC, Fail to surrender to bail. Definitive Guideline. November 2007)، خشونت خانوادگی (SGC, Overarching principles: domestic violence. Definitive Guideline. December 2006) و نیز شیوه اعمال مجازات‌های جدید مانند مجازات‌های اجتماعی، تعلیق مجازات حبس، تعویق صدور حکم مجازات (SAP. New sentences: Criminal Justice Act 2003. December 2006) و قرار انتشار اطلاعات در قتل‌های غیر عمد اشخاص حقوقی (SAP. Consultation paper on sentencing for corporate manslaughter. November 2007) نیز صادر شده است. این اقدامات و سازوکارها خاص انگلستان نیست و در برخی دیگر از کشورهای پیرو نظام کامن لا نظیر آمریکا نیز وجود دارند. اقدامات انجام گرفته در انگلستان، از اقدامات انجام شده در آمریکا در این زمینه متفاوت است اما به طور کلی قابل مقایسه هستند.

۱. همچنین صدور رهنمود در مورد برخی از جرایم علیه اشخاص و جرایم متقلبانه در دست بررسی است که هر یک از آنها طرح‌های بزرگی محسوب می‌شوند که مستلزم ماه‌ها کار می‌باشند.

با توجه به برخی شباهت‌های موجود بین سیستم‌های حاکم در این دو کشور در صفحات بعد به صورت گذرا به برخی از ویژگی‌های سیستم صدور رهنمود در آمریکا اشاره خواهد شد. پاسخ دوم به ایراد «تونری» را می‌توان با اشاره به شیوه‌های صدور رهنمودها و درگیر شدن پارلمان در این فرایند داد. در انگلستان پارلمان رهنمودها را تصویب نمی‌کند. شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات و هیات مشورتی تعیین مجازات، هر دو نهادهایی مستقل هستند که فارغ از دخالت پارلمان به صورت خودمختار عمل می‌کنند. مبانی شکل‌گیری و شیوه اداره شورا نشان می‌دهد که این نهاد می‌تواند به تنهایی اقدام به صدور رهنمود نماید. گرچه این شورا قبل از نهایی کردن رهنمودها از مشاوره پارلمان و وزرا برخوردار است، اما مرجع اظهارنظر نهایی در باب رهنمودها خود شورا است و نه پارلمان.

سومین معیاری که از بیان «تونری» برداشت می‌شود این است که به عقیده وی رهنمودها باید در تمامیت خود به عنوان یک طرح واحد، به بهترین نحو ممکن صادر شوند. موارد قابل توجهی در این شیوه وجود دارد. می‌توان تصور کرد که چنین رویکردی منجر به تصویب رهنمودهایی شود که دارای یک منطق صحیح بوده و از درجه انسجام بالا برخوردار باشند. تجربه آمریکا نشان داده است که همیشه به این صورت نخواهد بود و همان گونه که خود «تونری» هم گفته است اکثر کمیسیون‌های تعیین مجازات که سعی داشتند در نخستین اقدام رهنمودهایی را به طور کلی و ناظر به تمامی موارد صادر کنند، با شکست مواجه شده‌اند. بعضی از این کمیسیون‌ها حتی نتوانستند در مورد پارامترهای اولیه به توافق برسند و از این رو منحل شدند (Tonry, 1996: ch 2). برخی دیگر از کمیسیون‌ها طرح‌هایی را تنظیم کرده‌اند که توسط قانون‌گذار رد شده است. برخی دیگر از آنها مانند کمیسیون فدرال تعیین مجازات آمریکا نیز در مورد منطق قضیه به توافق نرسیدند و در نتیجه رهنمودهایی را صادر کردند که علاوه بر پیچیدگی بیش از اندازه خود، دارای اشکالات اساسی بودند، به گونه‌ای که از طرف قضات و صاحب‌نظران مورد انتقادات شدیدی قرار گرفتند (Tonry, 1996: ch 3).

این امر نشان می‌دهد که طراحی یک سیستم صدور رهنمود، آغاز کار است و به سادگی قابل اجرا نیست. یک کمیسیون تعیین مجازات برای موفقیت در امر صدور و ارائه رهنمودهای تعیین مجازات باید دارای ثبات باشد و این ابتدایی‌ترین خصوصیتی است که در مراجع صدور رهنمود باید به دنبال آن بود. سیستم صدور رهنمود در انگلستان به نظر در این راستا از سیستم حاکم در آمریکا موفق‌تر بوده است، زیرا این سیستم یک فرایند بازنگری در رهنمودهای صادر شده را پیش‌بینی کرده است که در مقام مقایسه، سیستم آمریکایی فاقد آن است.

۳- اعتبار رهنمودهای تعیین مجازات

اعتبار و قابلیت رهنمودهای تعیین مجازات را می‌توان در دو گروه به صورت زیر دسته‌بندی و مطالعه کرد:

۳-۱- فرایند صدور رهنمودها

در بسیاری از جنبه‌های زندگی، انسان برای تصمیم‌گیری درباره تعهدات و منافع خود احساس نیاز به رهنمودهایی می‌کند که او را در اتخاذ یک تصمیم منطقی و منصفانه یاری کند. بر این اساس، در هنگام تصمیم‌گیری در مورد مجازات نیاز به چنین چارچوب راهنما برای تعیین کنندگان مجازات بیش از پیش احساس می‌شود، زیرا تعیین مجازات دشوارتر از آن چیزی است که می‌توان تصور کرد.

فرایند معمول صدور رهنمود در انگلستان و ولز، فرایندی است با ارزش‌ها و منافع خاص خود، به گونه‌ای که ارتباط نزدیک با آن، این ارزش‌ها را بهتر نمایان خواهد ساخت. صدور رهنمودها، نتیجه یک فرایند مشاوره است که بوسیله شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات و هیات مشورتی تعیین مجازات انجام می‌شود. استفاده از تحقیقات انجام شده و نیز استفاده از نظرات صاحب‌نظران سنگ بنای اصلی و الهام‌بخش ابتدایی رهنمودها محسوب می‌شود. به علاوه، قبل از تنظیم و صدور هر رهنمود، نشست‌های متعدد برگزار شده و پیش نویس رهنمودها مورد بررسی و اظهار نظر قرار می‌گیرند. چنین فرایندی رهنمودهای صادر شده را تقویت و غنی می‌کند. به علاوه، شرکت‌کنندگان در نشست‌ها و نیز عامه مردم را با توجیه رهنمودها آشنا می‌سازد.

اعتبار رهنمودها برای قضات و سایر افراد درگیر در سیستم عدالت کیفری روشن است. قضات غیر تخصصی دادگاه‌های صلح (Lay Magistrate) که از دانش حقوقی برخوردار نیستند، قضات دادگاه جزایی (Circuit Judge) و قضات پاره وقت دادگاه جزایی (Recorder) که در برخی مواقع تنها سه هفته در سال در محاکمات دادگاه جزایی شرکت می‌کنند، می‌توانند به بهترین نحو ممکن از این رهنمودها استفاده نمایند. به علاوه، حتی قضات با تجربه تمام وقت دادگاه‌ها نیز در برخی پرونده‌ها با مواردی روبرو می‌شوند که جدید و یا پیچیده بوده و در تعیین مجازات برای آنها، به استفاده از رهنمودهای تعیین مجازات نیاز پیدا می‌کنند.

با وجود تمامی مزایایی که در انگلستان و ولز برای رهنمودهای تعیین مجازات قائل هستند، باید گفت که این رهنمودها به هیچ وجه قانون محسوب نمی‌شوند و به هیچ عنوان اعتبار و قطعیت قانون را ندارند. انتقادی که در این زمینه بر عملکرد قضات وارد شده است، این است که برخی از آنان رهنمودهای تعیین مجازات را همانند مقرر قانونی تلقی می‌نمایند؛

قانونی که به هیچ عنوان نمی‌توان از آن تخطی کرد. در صورت اثبات این ادعا باید اعتراف کرد که قضات انگلستان هنوز معیار و مبنای صدور رهنمودها را به درستی درک نکرده‌اند (Davies, 1962: 42). این انتقادات بیشتر به قضات غیر تخصصی دادگاه‌های صلح وارد است که رهنمودها را همانند حکمی تغییر ناپذیر تلقی کرده و بدون کم و کاست اجرا می‌نمایند. این انتقادات در تصمیمات اخیر دادگاه تجدید نظر مورد توجه قرار گرفته‌اند. حال با توجه به اینکه تصمیمات اخیر دادگاه تجدیدنظر در این زمینه تماماً بر انعطاف‌پذیری رهنمودها تاکید دارند (Wasik, 2007). ایرادات فوق را باید متوجه عملکرد قضات در ارتباط با رهنمودها و نه ماهیت رهنمودها دانست؛ قضاتی که هنوز تفاوت بین قانون و رهنمود را درک نکرده‌اند.

۲-۳- نتایج حاصل از رهنمودها

چنانچه هدف رهنمودهای تعیین مجازات افزایش یا کاهش سطح مجازات‌ها به طور کلی یا افزایش یا کاهش سطح مجازات‌ها در مورد یک جرم خاص بود، امکان پی بردن به نتایج آنها از طریق مقایسه سطح مجازات‌ها در زمان قبل و بعد از صدور رهنمودها وجود داشت. اما این هدف، یک هدف عمده برای مراجع صدور رهنمود، یعنی شورای صدور رهنمود تعیین مجازات و هیات مشورتی تعیین مجازات نبوده است. ماده (۵) ۱۷۵ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ که به موضوعات قابل توجه بوسیله این دو نهاد اشاره می‌کند، مقرر داشته که هدف عمده از ارائه رهنمودهای تعیین مجازات، افزایش یکدستی در زمینه تعیین مجازات است که در این میان به اثرگذاری مجازات‌ها و نیز به رضایت عمومی توجه می‌شود. با توجه به اینکه شورا و هیات مزبور بایستی در زمان صدور رهنمودها به اثرگذاری مجازات‌ها و نیز هزینه آنها توجه کنند، هیات مشورتی تعیین مجازات اقدام به جمع‌آوری تمامی آمارهای موجود در زمینه هزینه‌های مرتبط با مجازات‌های مختلف و نیز تاثیرگذاری هر یک از این مجازات‌ها کرده است. مساله موجود این است که وقتی قاضی تعیین‌کننده مجازات می‌داند که صدور مجازات حبس، ۱۰ برابر بیشتر از مجازات اجتماعی هزینه‌بردار است، در کنار این برآورد هزینه باید به فواید یا معایب این مجازات نیز توجه کرد. به علاوه، در این فرایند باید به میزان خسارت وارده به زندانی، خانواده او و جامعه به طور کلی نیز توجه نماید. در واقع این سازوکار نه تنها به هزینه، بلکه به هزینه و فایده با هم توجه دارد. برای این منظور، شورای یاد شده بخشی از تحقیقاتی را که در حال حاضر توسط دانشگاه کمبریج انجام می‌گیرد، رهبری می‌کند. این تحقیقات به منظور نیل به دیدگاهی واضح تر نسبت به نتایج رهنمودها و بهبود کیفیت رهنمودها انجام می‌شوند. به علاوه، در کنار این تحقیقات، شورا باید به برخی از منابع موجود در برخی زندان‌های خاص نیز در زمان صدور رهنمودها، رجوع نموده و نتایج آن را مد نظر

داشته باشد. در واقع رهنمودهای تعیین مجازات برای کمک به تعیین‌کنندگان مجازات جهت اتخاذ یک رویکرد خاص در زمان تعیین مجازات است و نه کسب نتایج یکسان. به عبارت دیگر، هدف رهنمودها ایجاد یک رویکرد یکسان و مشابه نسبت به مجازات در سیستم عدالت کیفری است و نه نیل به نتایج مشابه. تشخیص یکسانی رویکردها امری دشوار است اما به سادگی می‌توان گفت که سیستمی که چنین رهنمودهایی را به کار می‌گیرد از سیستمی که فاقد چنین رهنمودهایی است، اصولی‌تر و منسجم‌تر عمل می‌کند، زیرا بی‌تردید رهنمودهای تعیین مجازات بر عملکرد سیستم تأثیر خواهند گذاشت (Tonry, 1996: 42).

مشکل عمده در تشخیص اثرات و نتایج حاصل از رهنمودها در انگلستان این است که سیستم عدالت کیفری دائماً در حال تغییر و تحول رسمی است. تعیین مجازات موضوع اصلاحات قانونی بسیاری قرار دارد که هر یک از این تغییرات مستلزم اصلاحات و نوآوری‌های خاص است. به عنوان نمونه، قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ تغییراتی عمیق را در این زمینه ایجاد کرد که برخی از آنها هنوز به صورت کامل به مرحله اجرا در نیامده است. لازم به ذکر است که این تغییرات دائمی مایه نارضایتی و گلایه دست‌اندرکاران سیستم عدالت کیفری را نیز فراهم کرده است (Hough, et al, 2003). بسیاری از این تغییرات از سال ۱۹۹۱ بی‌نتیجه مانده است و در اغلب موارد نیز نتایج عکس داده است (Wasik, 2004: 253). بسیاری از اصلاحات در این دوره به سختی به مرحله اجرا در آمده است. در طی پنج سال گذشته شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات و هیات مشورتی تعیین مجازات رهنمودهای مربوط به برخی از تغییرات قانونی سال ۲۰۰۳ را اصلاح نکرده‌اند و این نشان از اتلاف وقت و هزینه فراوان بوسیله این دو نهاد برای انطباق رهنمودها با اصلاحات قانونی است. در همین راستا می‌توان به حداقل شرایط در قتل عمد، «حبس دوره‌ای» (Intermittent Custody)^۱، «حبس به علاوه» (Custody Plus)^۲ و اختصاص یافتن پرونده‌های ۱۲ ماه حبس به دادگاه صلح برای

۱. در حالی که حبس به علاوه برای برخورد با مجرمین به عادت پیش‌بینی گردیده است، حبس دوره‌ای را به عنوان حبس مناسب برای آنهایی که مستحق حبس کوتاه مدت می‌باشند، اما خطرناک محسوب نمی‌شوند و نیازی به نگهداری آنها در مکانهای بسته به منظور حفظ امنیت عمومی وجود ندارد، پیش‌بینی شده است. در همین راستا ماده ۱۸۳ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ به دادگاه این اختیار را می‌دهد که یک مجازات حبس بین ۲۸ تا ۵۱ هفته را که به صورت حبس دوره‌ای اجرا می‌شود تحمیل نماید. دادگاه باید تعداد روزهای حبس را مشخص نماید که می‌تواند بین ۱۴ تا ۹۰ روز باشد و باقیمانده دوره حبس مشخص شده به صورت مشروط در جامعه سپری می‌شود. در طی دوره آزادی، دادگاه می‌تواند بزهکار را به انجام یک یا چند شرط از شرایط زیر الزام نماید: کار مجانی، انجام فعالیت مشخص، مشارکت در برنامه‌های معین و یا شرط عدم مشارکت در فعالیت‌های مشخص شده توسط دادگاه.

۲. به موجب ماده ۱۸۱ قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳ کلیه حبس‌های زیر ۱۲ ماه تبدیل به مجازات جدید حبس به علاوه شده‌اند. مجموع دوره حبس باید بین ۲۸ تا ۵۱ هفته باشد و دوره حبس باید میان ۲ الی ۱۳ هفته بوده و در احتساب کل دوره مجازات دادگاه بایستی اطمینان حاصل کند که دوره آزادی فرد در جامعه حداقل ۲۶ هفته باشد. این بدان معناست که برای

تعیین مجازات اشاره کرد که تاکنون تحت پوشش رهنمودهای تعیین مجازات قرار نگرفته‌اند. این اصلاحات تماماً توسط قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ صورت گرفته‌اند، اما با وجود جدید بودن برخی از آنها نظیر «حبس به علاوه» و «حبس دوره‌ای»، رهنمودی در مورد اجرای آنها صادر نشده است.

بدون تردید، افزایش و گسترش صدور رهنمودها در انگلستان و ولز باعث بالا رفتن سطح مجازات‌ها می‌شود (Wasik, 2004: 239-250-252). برای توجیه و توضیح این سخن می‌توان دلایل متعدد ذکر کرد. شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات و هیات مشورتی تعیین مجازات که نهادهای صادرکننده رهنمودهای تعیین مجازات هستند بر مبنای قانونی فعالیت می‌کنند که به موجب آن، مجازات سالب آزادی تنها باید در مواردی صادر شود که شدت جرم به اندازه‌ای باشد که نه جزای نقدی و نه مجازات اجتماعی به تنهایی نتوانند برای آنها توجیه شوند (ماده (۲) ۱۵۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳) و مدت حبس نیز باید کوتاه‌ترین دوره و متناسب با شدت جرم باشد (ماده (۲) ۱۵۳ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳). این مواد الزامات قانونی مهم را یادآوری می‌کنند که عبارت هستند از توجه به شدت جرم و تعیین مجازات بر اساس آن. از سوی دیگر، پارلمان تمایل روزافزونی نسبت به مجازات‌گرایی دارد. به عنوان نمونه، می‌توان مشاهده کرد که حداکثر مجازات حبس به طور منظم در حال افزایش است. هر قانون جدید که به تصویب می‌رسد شدت مجازات را مد نظر قرارداد و اقدام به تشدید مجازات‌ها می‌نماید. از سال ۱۹۹۱ تاکنون هیچگاه حداکثر مجازات به صورت اساسی کاهش نیافته است.^۱ در قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ پارلمان حداقل دوره حبس را برای قتل عمد به میزان زیادی افزایش داد. این سختگیری قانون نسبت به قتل عمد نتایج اساسی برای سایر جرایم خطرناک در پی داشت و وضع مقررات سختگیرانه و گسترده را در قبال سایر مجرمین خطرناک نیز موجب گردید. بر این اساس، مجرم خطرناک کسی است که سابقه کیفری او نشانگر ارتکاب جرم خشن بوسیله وی در آینده باشد. با این گونه بزهکاران سختگیری بیشتر می‌شود و حداقل‌های پیش‌بینی شده برای آنها افزایش چشمگیری دارد.

نمونه داگه نمی‌تواند یک حبس ۲۸ هفته‌ای را تحمیل نموده و مقرر دارد که ۴ هفته از این دوره در حبس سپری شود و باقیمانده آن به صورت مشروط در جامعه. چنانچه داگه بخواهد مرتکب یک دوره حبس چهار هفته‌ای را بگذراند باید به این دوره ۲۶ هفته آزادی به صورت مشروط را تحمیل نماید که مجموع آن ۳۰ هفته خواهد شد. بدین ترتیب حبس به علاوه عبارت خواهد بود از یک دوره حبس در زندان و یک دوره آزادی در جامعه که در طی دوره اخیر بزهکار به صورت تحت نظر در جامعه سپری نموده و در طرح‌های اجتماعی متناسب با شخصیت وی شرکت می‌کند. (در مورد این دو تاسیس رک: مهرا، ۸۶-۱۳۸۵).

۱. آخرین نمونه از کاهش مجازات را می‌توان در قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ مشاهده نمود که حداکثر مجازات سرقت را از ۱۰ سال حبس به ۷ سال کاهش داد.

شاید بتوان گفت تنها تلاش‌هایی که در راستای متوقف کردن روند رو به افزایش شدت مجازات‌ها انجام گرفته، اقدامات دادگاه‌هاست. در همین راستا، می‌توان به تصمیمات دادگاه استیناف اشاره کرد که بر ملایمت مجازات‌ها، بویژه در مواقعی که جمعیت زندان‌ها بالاست، تاکید دارند. این تلاش‌ها تنها راه‌هایی هستند که برای تلطیف و ملایمت در برخورد با بزهکاران در انگلستان و ولز می‌توان سراغ گرفت.

۴- استفاده از رهنمودهای تعیین مجازات برای مدیریت جمعیت زندان

یکی از جنبه‌های آشکار و از پیامدهای استفاده از رهنمودهای تعیین مجازات در آمریکا تاثیر آن بر تعیین مناسب مجازات بوده است. به نظر می‌رسد این رهنمودها در مدل مورد استفاده در نیوزیلند نیز منطقی را در این باره القا کرده باشند (Tonry, 2002: 67). زمانی که همچون امروزه جمعیت زندان‌ها زیاد است و به حد بحران رسیده است، به سادگی می‌توان سودمندی این گونه رهنمودها را برای کاهش جمعیت زندان مشاهده کرد. نقش رهنمودها در چنین مواردی به صورت ارائه راه کار مناسب برای استفاده کمتر از مجازات حبس و در نتیجه کاستن از جمعیت زندان‌ها نمود پیدا می‌کند. اما در این مسیر مشکلاتی نیز حادث می‌شود، نظیر اینکه تعیین میزان استفاده از حبس در فرایند عدالت کیفری بر عهده چه شخصی است؟ یا اینکه پس از رسیدن جمعیت زندان به چه میزان باید نسبت به تثبیت یا کاهش آن اقدام کرد؟ توجه مهم سیاست تعیین مجازات، بویژه در دو دهه اخیر، ایجاد سازش میان دو فشار متناقض بوده است. از یک سو، جمعیت زندان‌ها افزایش زیاد داشته و دولت‌های مختلف در انگلستان تلاش کرده‌اند تا آن را ثابت نگه دارند یا دست کم کاهش دهند. این توجه بویژه معطوف به کمبود فضای داخل زندان و هزینه بالای نگهداری تعداد زیاد زندانی می‌شد. از سوی دیگر، جلب توجه عمومی در زمینه برخورد شدید با بزهکاری اقتضای آن را دارد که سیستم عدالت کیفری اطمینان حاصل کند که توسل به مجازات‌های اجتماعی به جای کیفر سالب آزادی، آنان را در معرض اتهام برخورد ملایم با جرم و مجرم قرار ندهد (مهر، ۱۳۸۶، ۸۳-۸۲).

در زمان حاکمیت قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ که بحث‌های مربوط به جمعیت زیاد زندانیان و تراکم زندان‌ها در انگلستان مطرح شد، جمعیت زندان‌های این کشور ۴۲ هزار نفر بود که بسیار بیشتر از فضای داخلی و ظرفیت زندان‌ها بود. این میزان امروزه، حداقل به دو برابر رسیده است. برخی معتقدند که در این زمینه نمی‌توان راه کار قطعی ارائه کرد زیرا ایجاد ارتباط بین منابع مالی و تعداد زندانیان امری دشوار و شاید غیر ممکن است (Straw, 2007). گرچه این سخن تا حدودی صحیح به نظر می‌رسد، اما می‌توان رهنمودها را به گونه‌ای تنظیم

کرد که حبس را تنها در جرایم پر سر و صدا توجیه نماید و اعمال آن در سایر جرایم به صورت محدود مجاز باشد.

باید دوباره یادآوری کرد که رهنمودهای تعیین مجازات در انگلستان با هدف یکسان سازی رویکردها و نه یکسان سازی نتایج تنظیم و صادر می‌شوند. این رهنمودها در آمریکا کاملاً متفاوت است و اساساً در ارتباط با نتایج، بررسی می‌شوند. رهنمودهایی که در ایالات متحده مورد استفاده قرار می‌گیرند و نیز نمونه‌های فدرال به گونه‌ای شبکه مانند و در ارتباط با هم تنظیم شده‌اند. از این رو، در تعیین مجازات به قضات کمتر اجازه‌ای برای به کارگیری خلاقیت و انعطاف قضایی شان داده می‌شود. بدین سان، به سادگی می‌توان نتایج حاصل از این رهنمودها را پس از اجرای آنها با وضعیت ماقبل صدور آنها مقایسه کرد و نتایج آنها را در عمل دید.

بر خلاف ادعاهای موجود در مورد کارکردهای این رهنمودها در ایالات متحده، به نظر نمی‌رسد که این رهنمودها توانسته باشند به نحوی شایسته وظایف خود را انجام داده و به اهداف مورد توجه از صدور آنها جامه عمل پوشانده باشند. رهنمودهای تعیین مجازات مینه سوتا که یکی از بهترین رهنمودهای به کار گرفته شده در ایالات متحده و نمونه‌ای کامل از سازوکار نتیجه محور آمریکایی است، همچون سایر رهنمودها به گونه‌ای سزاگرا و شدید طراحی شده است و از این رو احتمالاً جمعیت زندان‌ها را به بالاترین حد خود افزایش خواهد داد.

بدون تردید، اجرای چنین رهنمودهایی ممکن است، اما به چه هزینه‌ای؟ برای رفع این مشکل است که رهنمودها تنها باید به قضات اختیارات بیشتر جهت اعمال صلاح‌دید قضایی-شان بدهند. اعطای این‌گونه صلاح‌دید و اختیار به قضات بدین معناست که آنان باید بتوانند در صورت وجود عوامل مخففه یا مشدده از مجازات عدول کرده و به مناسبت، بالاتر یا پایین‌تر از آن حکم دهند. جایگاه صلاح‌دیدها در رهنمود تعیین مجازات مینه سوتا به صورت خلاصه به این صورت تنظیم شده است:

رهنمود در مورد جرم ورود به منزل دیگری، مقرر می‌دارد که چنانچه متهم دارای سه فقره سابقه سرقت از اماکن مسکونی باشد، مجازات جرم مزبور در حکم دادگاه باید ۳۳ ماه حبس باشد و دامنه تغییر آن می‌تواند ۲۹ تا ۳۹ ماه را شامل شود (MGS, IV: Sentencing Grid). در مورد جرم سرقت بیش از ۵۰۰۰ دلار نیز چنانچه متهم دارای ۵ فقره سابقه محکومیت کیفری باشد، مجازات باید ۲۱ ماه حبس باشد. در این مورد نیز حدود تغییر مجازات می‌تواند ۱۸ تا ۲۵ ماه را در شامل شود (MGS, IV: Sentencing Grid). محکومیت به مجازاتی، به غیر از آنچه در رهنمود ذکر شده است، تنها در صورتی امکان پذیر است که «شرایط اساسی، محکم و

مشخص» وجود داشته باشد که بتواند چنین مجازاتی را توجیه کند. (MGS Commentary, para II. D.01). در مواردی که قاضی کیفیاتی مشدده در پرونده مشاهده کرده و بر مبنای آن در پی تشدید مجازات بزهکار به نسبت میزان مجازات مقرر در رهنمود است، محکوم علیه حق دارد اثبات بدون شک و شبهه منطقی کیفیات مشدده مورد استناد را از هیات منصفه تقاضا نماید (MGS Commentary, para II. D.01). به علاوه، هرگونه جرح و تعدیل میزان مجازات مقرر در رهنمود باید به صورت مستدل و مکتوب انجام گیرد که این امر به صورت خود به خود حق تجدید نظر خواهی را برای محکوم ایجاد خواهد کرد.

در صورتی که قاضی تصمیم بر انتخاب مجازاتی به غیر از مجازات مقرر در رهنمود گرفته باشد^۱ باید دلایل این امر به صورت مکتوب در دو نسخه نوشته شوند تا اینکه قابل تجدید نظر باشند.

بسیاری از مسایلی نظیر نقش حسن رفتار متهم در تخفیف مجازات یا تاثیرات جانبی نوع و میزان مجازات بر خانواده متهم، از دست دادن شغل، و ... که در حقوق انگلستان پذیرفته شده است، در رهنمود تعیین مجازات مینه سوتا ناشناخته است و قابل اجرا نیستند. پیامدهای روانی نامطلوب زندان بر فرد زندانی و نیز از هم گسیختگی خانواده زندانیان به عنوان پیامد اجتماعی منفی زندان، (آشوری، ۱۳۸۲، ۳۶۷) در حقوق انگلستان امری پذیرفته شده است که در سیستم صدور رهنمود سعی بر اجتناب از آنها است و حال آنکه این مساله در مدل مینه سوتا ناشناخته مانده است. در واقع مسایل فوق که در سیستم انگلستان در حوزه اختیارات و صلاحیت قاضی قرار می‌گیرند در آمریکا بر عهده رهنمود است. اما سوال اساسی این است که آیا رهنمودها می‌توانند دامنه مجازات خود را به اندازه‌ای گسترده تعیین نماید که تمامی عوامل مخففه و مشدده را در بر بگیرد، به گونه‌ای که نیاز به اعمال صلاحیت قاضی نباشد؟ راه کاری که رهنمود مینه سوتا در این زمینه ارائه می‌کند، تکیه بر سابقه محکومیت کیفری محکوم علیه است. به عبارت دیگر، سابقه محکومیت کیفری محکوم علیه است که وی را مستحق یا محروم از استفاده از کیفیات مخففه قرار می‌کند.

به علاوه، رهنمود مورد بحث هیچ‌گونه دغدغه‌ای در ارتباط با جمعیت زندانها به خود راه نمی‌دهد؛ به ویژه این که در سال‌های اخیر فشارهای سیاسی مبنی بر افزایش استفاده از مجازات‌های سرکوبگر و سزاده باعث افزایش میزان مجازات‌ها گردیده و این امر موجب شده تا میزان جمعیت زندانها به حد بحران‌زا افزایش یابد.

رهنمود تعیین مجازات مینه سوتا به عنوان یکی از بهترین رهنمودها در آمریکا محسوب می‌شود. با توجه به افزایش چشمگیر استفاده از مجازات حبس در مدل مورد استفاده در

۱. مثل اینکه قاضی محکمه تصمیم گرفته باشد که مجازات حبس مقرر در رهنمود را به مجازات اجتماعی تبدیل کند.

آمریکا، به نظر می‌رسد که سازوکار صدور رهنمود تعیین مجازات در آمریکا نتوانسته است به موفقیت چندان در مدیریت جمعیت زندان‌ها دست یابد. زیرا این بحث با توجه به پیامدهای منفی حبس، در حال حاضر خود یکی از اهداف رهنمودهای تعیین مجازات محسوب می‌شود؛ در واقع یکی از ملاک‌ها برای تعیین کارایی سیستم صدور رهنمود، میزان استفاده از حبس در آن است.

میزان حبس در ایالات متحده پس از اجرای این رهنمودها به ۷۵۰ نفر در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر رسیده است. این میزان برابر است با ۵ برابر میزان حبس در انگلستان و ولز (۱۴۸ نفر) و ۱۰ برابر کشورهای اروپایی دیگر. نگاهی ویژه به کشورهای اسکانندیناوی که بهترین پرونده را در این زمینه دارند، عدم موفقیت مدل سزاگرای آمریکایی را بهتر نشان می‌دهد. آمار موجود در سوئد ۷۹ نفر در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر، نروژ ۷۵ نفر و فنلاند ۶۸ نفر است که نشانگر تفاوت چشمگیر حبس در اروپا و آمریکاست.^۱

نتیجه

دلایل توجیهی چندی را می‌توان در حال حاضر برای رهنمودهای تعیین مجازات برشمرد: اول اینکه عوامل متعدد می‌توانند در تعیین مجازات، از حیث نوع یا مدت مجازات، در کیفر سالب آزادی دخالت داشته باشند. بر این اساس، برای تعیین کنندگان مجازات ضروری است که این عوامل را به گونه‌ای درست به کار گیرند زیرا مفهوم انصاف و برابری که حقوق کیفری بر آن استوار است، مستلزم آن است که عوامل موثر در تعیین مجازات به گونه‌ای یکسان به کار گرفته شوند. تحقیقات نشان داده‌اند که قضاات با برخی عوامل در تعیین مجازات، برخوردی چندگانه داشته و تفاوت‌های اساسی در طرز نگرش آنها به این عوامل وجود دارد (Jacobson and Hough, 2002). این امر نه تنها در میان قضاات تعیین کننده مجازات، بلکه در میان وکلای مدافع نیز رایج است (Shapland, 1981).

دومین دلیل برای ساختاردهی منظم به اختیارات قضاات در زمینه تعیین مجازات، به تلقی عموم در این باره مربوط است. چنانچه درک صحیح و واضحی از عوامل موثر بر تعیین مجازات برای عموم وجود نداشته باشد، زمینه برای انتقاد مردم و مطبوعات از اقدامات تعیین کنندگان مجازات فراهم خواهد شد. زمانی که یک متهم به حبس محکوم می‌شود، و زمانی که متهم دیگری از حبس رهایی می‌یابد، باید برای مردم قابل توجیه باشد. در غیر این صورت،

۱. برای دست یابی با آمار رجوع کنید به آدرس اینترنتی:

مجازات قابلیت ارباب عمومی خود را از دست می‌دهد و بدبینی عموم نسبت به سیستم تعیین مجازات را موجب می‌شود.

سومین دلیل برای وجود چنین رهنمودهایی به پدیده شناسی مجازات مربوط می‌شود. اعمال و اجرای مجازات و عوامل موثر بر تعیین آن، خود جزئی از مجازات هستند که می‌توانند واکنش‌هایی را علیه مجازات ایجاد نمایند. از این رو، بایستی میان مدل‌های قانونی تعیین مجازات و واکنش‌های قضایی به جرم، هماهنگی وجود داشته باشد (گرچه بین این دو حوزه همواره تفاوت‌های اساسی وجود دارد). این توجیهاات در نهایت به ایجاد سیستم ارائه رهنمود در انگلستان و ولز منجر شد.

امروزه در نتیجه فعالیت شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات و هیات مشورتی تعیین مجازات، قضات تعیین کننده مجازات در انگلستان و ولز، رهنمودهایی را در ارتباط با تعیین مجازات دریافت می‌کنند. این رهنمودها نقش مشاوره را برای تعیین کنندگان مجازات ایفاء می‌کنند که از سوی دو مرجع فوق صادر می‌شود. هدف اولیه از ارائه این رهنمودها این است که مجازات‌ها به شکلی واحد نزدیک شوند، گرچه تا رسیدن به این هدف راهی بس دور و دشوار در پیش است.

به طور کلی، رهنمودهای تعیین مجازات را می‌توان به عنوان معیارهایی تلقی کرد که بی‌آنکه اختیارات قضایی قضات در تعیین مجازات از آنان گرفته شود، اقدام به صدور مجازات‌هایی می‌نمایند که می‌توانند، با توجه به نوع جرم ارتكابی و شخصیت بزهکار، موثر واقع شوند. با این حال، رسیدن به نتیجه این سیستم از حیث کارایی آنها، نیازمند گذشت زمان است.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، جایگزین‌های حبس یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول.
۲. مهرا، (۱۳۸۶)، نسرین، کیفر و چگونگی تعیین آن (با تکیه بر کارکردهای کیفر)، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۵.
۳. مهرا، نسرین، (۱۳۸۳)، ترمیمی شدن عدالت ضغار در انگلستان و ولز، در علوم جنایی (مجموعه مقالات در بزرگداشت دکتر آشوری)، انتشارات سمت، چاپ اول.
۴. مهرا، نسرین، (۱۳۸۵)، آیین دادرسی کیفری تطبیقی (مروری بر نظام مجازات‌ها در سیستم عدالت کیفری انگلستان)، تقریرات درس آیین دادرسی کیفری دوره دکتری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: امیر ایروانیان.

ب- خارجی

- 1-Ashworth, Andrew, (2001), *The decline of English sentencing and other stories*, in Torny, Michael and S.Frase, Richard (eds), *Sentencing and sanction in western countries*, Oxford.

- 2-Auld, L.J, (2001), **Review of the criminal courts of England and Wales, October.**
- 3-Davies, Kenneth Culp, (1962), **Discretionary Justice.**
- 4-Hough, Mike et al,(2003), **The discretion to imprison: Sentencing and prison population,** Prison reform trust.
- 5-Jacobson. J and Hough. M, (2002), **Mitigation: The role of personal factors in sentencing,** London prison reform trust.
- 6-SAP, December(2006), **New sentences: Criminal Justice Act 2003.**
- 7-SAP, November (2007), **Consultation paper on sentencing for corporate manslaughter.**
- 8-SGC, April (2007), **Sexual offences Act 2003, Definitive Guideline.**
- 9-SGC, December (2004), **Overarching principles: Seriousness, Guideline.**
- 10-SGC, December (2006), **Overarching principles: domestic violence. Definitive Guideline.**
- 11-SGC, July (2007), **Reduction in sentence for a guilty plea, Definitive Guideline.**
- 12-SGC, November 2005, **Robbery. Definition Guideline, July 2006- SGC, Manslaughter by reason of provocation, Guideline.**
- 13-SGC, November (2007), **Fail to surrender to bail. Definitive Guideline.**
- 14-Shapland, J, (1981), **Between conviction and sentence. The process of mitigation,** London, Rutledge&Kengan,.
- 15-Tonry, Michael, (1996), **Sentencing Matters,** Oxford,.
- 16-Tonry, Michael, (2002), **Setting sentencing policy through guidelines,** in Rex, Sue and Torny Michael (eds), **Reform and punishments: The future of sentencing,** Willian.
- 17-Von Hirsch, Andrew, (1987), **The sentencing commission's function,** in Von Hirsch, Andrew, A.Knapp, Kay and Torny, Michael (eds), **The sentencing commission and its guidelines,** Northeastern university press.
- 18-Wasik, Martin, (2003), **Sentencing guidelines- Past, Present and future,** 56 C.L.
- 19-Wasik, Martin, (2004), **Going round in circles? Reflections of fifty years of change in sentencing,** crime, LR. 253.
- 20-Wasik, Martin, (2007), **The status and authority of sentencing guidelines,** Baracton Law Journal.

آدرس‌های اینترنتی

- 1-www.justice.gov.uk/news/announcement-05/207-htm- January 10 2008.
- 2-www.prisonstudies.or.